

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

برای نجات جان توده‌ایهای دربند بشتابیم!

برپایه اخبار و گزارشهای رسیده، بیش از سه هفته از اعتصاب غذای توده‌ایهای دربند می‌گذرد. در این روزها و هفته‌ها که رفقای زندانی ما در اعتراض به حمله سبانه به زنان توده‌ای در بند و پایمال سازی ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، زیستی و موازین قضایی در زندانهای جمهوری اسلامی، دست به اعتصاب غذا زده‌اند، زندانبانان رژیم برای درهم شکستن مقاومت متحد و قهرمانانه فرزندان اسیر خلق از هر حربه‌ای، هرچند غیرانسانی، استفاده کرده‌اند. اما تا کنون راه به جایی نبرده‌اند. از زمان آغاز اعتصاب غذای توده‌ایهای دربند، زندانبانان خونریز رژیم، علاوه بر تشدید بیسابقه انواع فشارها در سطح زندانها، از جمله و بویژه در سطح زندانهای "اوین" و "گوهردشت"، بار دیگر تعدادی از رفقای ما را راهی سلولهای انفرادی و اتاقهای "تمشیت" کرده‌اند. زندانبانان خمینی به انتقام از زندانبان مبارز و نیز برای جلوگیری از انتشار خبر مربوط به اعتصاب غذا، حتی ملاقاتهای گاهگاهی بستگان آنها را نیز قطع کرده‌اند. شدت فشار و شکنجه از یکسو و فرسودگی جسمی ناشی از اعتصاب غذا از سوی دیگر، زندگی شماری از رفقای ما را در معرض خطر جدی قرار داده است. بقیه در ص ۳



شماره ۱۳۳ دوره هشتم
سال سوم سه شنبه ۱۳۶۵/۷/۲۵
بها ۲۰ ریال

احزاب برادره حزب توده ایران شادباش می‌گویند:

پیام حزب کمونیستهای چپ سوئد

رفقای عزیز
به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب شما، حزب چپ کمونیستهای سوئد گرمترین سلامهای رفیقانه خود را به اعضای حزبتان که در شرایط اختناق بربرمنشانه مبارزه می‌کنند، ارسال می‌دارد.
طی سالیان متمادی، همبستگی با کمونیستهای مبارز ایران و رفقای ایرانی که به سوئد پناهنده شده‌اند، در میان کمونیستهای سوئد ریشه دوانده است.
ما با تحسین، مبارزه قهرمانانه شما علیه رژیم شاه را دنبال کردیم. زمانی که رژیم اختناق شاه بقیه در ص ۲

انتخاب "جوانان توده" به عضویت هیئت اجرایی

"فدراسیون جهانی جوانان دمکرات"

چنانکه در شماره پیش اطلاع دادیم، هیئت‌های نمایندگی "جوانان توده" و "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" ("اودیسی") در دوازدهمین مجمع عمومی فدراسیون جهانی جوانان در بوداپست شرکت کردند.
شرکت کنندگان در دوازدهمین مجمع عمومی "فدراسیون جهانی جوانان دمکرات"، به نمایندگی از سوی میلیون‌ها جوان پنج قاره در چند قطعهنامه همبستگی خود را با رژیم مردم ایران علیه رژیم مستبد و جنگ افروز خمینی اعلام داشتند.
در "قطعهنامه آسیا و اقیانوسیه" می‌خوانیم:
بقیه در ص ۷

عنايات خاصه "سيا" در يورش به حزب ما

پس از موج اول یورش فاشیستی به حزب توده ایران و روانه شدن بهترین فرزندان خلق ایران به سیاهچالها و شکنجهگاههای رژیم، روزنامه‌های جمهوری اسلامی در صفحه اول خود با عنوان‌های درشت خبر از کشف "شبکه" جاسوسان کا.گ.ب. توسط "سربازان گمنام اسلام و امام امت" دادند. در آن روزها رهبران خائن جمهوری اسلامی برای سرپوش گذاردن بر واقعیت، یعنی یورش سازمان یافته علیه انقلاب و حزب پیشاهنگ طبقه کارگر، یعنی پیگیرترین نیروی ضد ارتجاع و امپریالیسم، در پیامها و مصاحبه‌های ریز و درشت خود درباره این کشف "عظیم" چها که نگفتند و قلم همزدان و پادوهای امپریالیسم و ارتجاع چه‌ما که نوشتند.

خمینی طی پیامی ضمن بیان "توجه به کارآمدی امنیتی و اطلاعاتی این جوانان گمنام پاسدار و بسیج و کمیته دادستانی و دیگر دولتی‌ها در راه خدا در بدام انداختن رهبران حزب ما از جمله خاطر نشان ساخت:
"این اعجاز جز به هدایت حق تعالی و عنايات خاصه ولي الله العظم ارواحنا فداه صورت نگرفته است... بارالها ترا به این نعمت‌ها که نصیب ما فرمودی... شکر می‌کنیم" (۶۲/۲/۱۴).

چنتی، امام جمعه موقت قم، فریاد برداشت:
"باید اول به پیشگاه خدا شکر کرد که خدا با هر چه داریم از تو داریم" (اردیبهشت ۶۲).
مهدوی کنی گفت: "خداوند توطئه‌ها را برملا ساخت"، موسوی اردبیلی اظهار داشت که گویا "از دیر باز تاریخ، اعمال و نقشه‌های آنان را فاش ساخته بود" و رفیق دوست، دستگیری رهبران حزب ما را "یکی از معجزات و الطاف خداوندی توصیف کرد" (اطلاعات ۶۵/۲/۲۲).
چنین بود اظهار نظرهای پوشالی رهبران و بقیه در ص ۶

بمناسبت بیستمین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر

در دسامبر سال ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق بشر را که اتحاد شوروی میترک اصلی آن بود به تصویب رساند و این روزها در سراسر جهان بیستمین سالگرد تصویب آن برگزار می‌شود.
باید خاطر نشان ساخت که طی ۲۰ سال اخیر، هیچگاه مواد این اعلامیه، علیرغم قبول رسمی آن از جانب رژیمهای حاکم بر ایران، در مورد میلیونها ایرانی مراعات نگردیده است. اگر در دوران فرمانروائی رژیم خودکامه پهلوی مواد اعلامیه حقوق بشر زیر پا گذارده می‌شد، امروز هم رژیم استبداد مذهبی قرون وسطائی همان راه را می‌رود.
در ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر گفته می‌شود، "تمامی افراد بدون هیچگونه تمایزی نظیر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا دیگر عقاید، ملیت، منشا اجتماعی، تولد و غیره، از حقوق و آزادیهای مصرح در این اعلامیه برخوردار می‌باشند".
این آزادیها کدامند؟ تمام افراد دارای حق بقیه در ص ۶

رفسنجانی زدویند با آمریکا را توجیه می‌کند

رفسنجانی در توجیه زد و بندهای پنهانی با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیل از جمله می‌گوید: "اگر رابطه ما با آمریکا مثل گذشته می‌بود، وابستگی ما امروز بدتر از زمان شاه به آمریکا وجود داشت. اگر در دوران جنگ ما می‌خواستیم وابسته به آمریکا زندگی کنیم، امروز سراسر کشورمان و منطقه را باید زیر بیوغ آمریکا داشته باشیم. طرح، اسلحه، جنگ، دفاع، اقتصاد، درآمد، مصرف و قانون ما همه چیز می‌باید زیر سلطه آمریکا می‌بود".
رفسنجانی که می‌کوشد با این "استدلال" رژیم آبرو باخته جمهوری اسلامی را تهرئه کند، در واقع سند محکومیت آن را ارائه می‌دهد. بیش از دو ماه است که رسانه‌های گروهی جهان صدها مقاله و سند پیرامون روابط پنهانی "واشنگتن" و "تهران" منتشر ساخته‌اند. گذشته از این، ریکان و یارانش به مثابه طراحان "عملیات ایران" بارها به وجود روابط پنهانی با برخی از سران ج.ا. اعتراف کرده‌اند.
بقیه در ص ۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

سخنی با پدر

فرزند ناخلف نیم ای پیر راستین
زیرا توام به رنج، پر وبال داده ای
بر روی من گشودی، آغوش چون پدر،
نیروم را به روز و مه و سال داده ای

*
کلبوته امید ز شوکت نهال کشت
بالنده تر ز قامت رعنا دوستی،
از تنگنای مهلکه و از مرز شب گذشت

*
بنمودی ام کنون ره پرواز را به مهر
از سرزمین فقر و ستمهای بندگی
در سایه بلند تو ای حزب راهبر
پرباز می‌کنم به افق های زندگی

*
گاهی اگر که مرغ هراسان آرزو،
از غربتم بسوی تو پرواز می‌کند،
می‌بیند آشیانه تهی از حضور دوست
می‌گرید و سرود غمین ساز می‌کند

*
گاهی اگر ز حادثه دلگیر می‌شوم
گاهی اگر ز هجر رفیقان پایه بند
دلخسته، بسته غم و زنجیر می‌شوم،

*
گاهی که شعر تلخ من این ابر باردار،
بنشسته است ساکت و غمگین مرا به بر
گاهی اگر پریشم از احوال خویشتن
یاران گمان برند چه با بشدم به سر

*
لیکن ز غم و ساحت گسترده دلم
آواز دلکش تو به خورشید می‌رسد
در پویش و طپیدن این شعله رها،
بس تیرگی که مهر به زنجیر می‌کشد.

*
کردد جهان بکام تو ای ریشه غنی!
آینده نیز میوه سرخ خروش تست
هر گوشه و کنار در این جنگل وسیع،
خلقی در انتظار پیام و سروش تست

پیام حزب کمونیستهای

سرنگون گردید و امپریالیسم آمریکا پایگاه مهمی
را در این منطقه از دست داد، به همراه شما
شادمانی کردیم و امیدوار بودیم که مردم ایران
بالاخره به دمکراسی دست یابند.

رژیم جدید که ترورنویین را زیر رهبری وسلطه
ارتجاعی آخوندی خمینی برقرار ساخت، از
جانب ما به شدت محکوم است. ما باردیگر
اعتراض خود را علیه این جابربین خلق اعلام
می‌کنیم. ما همچنین خواهان پایان بخشیدن به
جنگ خونین ایران و عراق و صلح برای مردم دو
کشور می‌باشیم.

رفقای عزیز، همبستگی ما را با شما در مبارزه
برای آزادی، صلح و دمکراسی بپذیرید.

دبیر کل، لاش ورنر

کی به کیه

من یادم است که در رژیم گذشته دعوی روحانیون و
اهل علم و اهل منبر با حکومت این بود که اگر مردم ایمان پیدا کنند، این
دادگستری شما، این پاسبان های شما، این تشکیلات زندان و بگری و بندشما
کارش خیلی کم می‌شود. چقدر از این حرفها روی منبرها زدم، چقدر
همه مان جوش این را می‌زدم که چرا این همه فساد و دزدی و قتل نفس و
راهزنی و فحشاء در جامعه اسلامی وجود دارد و اگر احکام اسلام اجرا شود،
همه ای این مفاسد اصلاح می‌شود... حالا خودمان توی همان مسایل گیر
کرده ایم، همان بگری و بند میان دادگستری، همان زندان و همان عصبیان و همان
فساد در بسیاری موارد دیده می‌شود... علت این همه، آن است که ما غفلت کردیم
که امنیت را در روح مردم ایجاد کنیم. امنیت در روح به این است که هر کس
احساس کند در محیطی است که به او احترام می‌گذارند و به او ظلم نمی‌کنند.
اگر حرفی دارد، اگر ایرادی دارد، اگر نسبت به او بی‌احترامی شده، اگر حقش
شایع شده می‌تواند با کمال جرئت و بدون هیچ ترس و لرزی حرفش را بزند،
ایرادش را بگوید، حشش را بگیرد. این امنیت روحی در صورتی بوجود می‌آید
که ما همه حرفها را خودمان نزنیم.
بگذاریم مردم حرفهایشان را بزنند، دردهایشان را بگویند.

اطلاعات

از: بهمن‌جواد جنتی کرمانی
۲۴ مهرماه ۱۳۶۵
- بازهم که داری همه حرفها را خودت
می‌زنی! داری به زبان بی‌زبانی می‌گویی: "آری
مردم! خاطر مبارک تان آسوده باشد. من دارم
حرف می‌زنم. شما لازم نیست دیگر زحمت بکشید و
حرف بزنید! فقط حرفهای مرا بخوانید و به
"شجاعت" من آفرین بگویید!"

لالی شیخی، نماینده ایلده، همچنین گفت: بسیاری از محرومان و ستمدیدگان و
مستضعفان مسلمان از ما کمک و باری می‌طلبند. همیشه فرمودید: «باید به
ندای استمداد آنها پاسخ گفت.» ما را کمک کنید تا قربانی برای نجات آنان
بنویسیم.
- وی افزود: اینکه سالها در منبرها بر خطابهها فرمودید که «بروزه یار
بزرگ علی و صحابه بزرگوار پیامبر خدا (ص) فریاد می‌زد که در عجبام از
مسلمان گرسنه‌ای که درخانه نشسته است که چرا تیغ به زوی مردم کوچه و
بازار نمی‌کشد؟ یعنی که جامعه مسئول فقر اوست، یعنی همه ما مسئولیم. پیش
نویسهای قوانین را مدون فرمائید که گرسنه‌ای در خانه نماند.

اطلاعات

چهارشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۶۵
- خانه از پای بست داغون است
خواجه در فکر طرح و قانون است!

آقای محمد رشیدیان، نماینده آبادان، به عنوان نخستین سخنران پیش از
دستور جلسه علنی دیروز مجلس، ابتدا با تاکید بر اینکه «جنگ هراسی همه
مسائل است»، گفت:

این نمی‌شود که یک مملکت، یک ملت اینچور عاشقانه و باعزت و شرف،
همه چیز خود را در کف اخلاص بگذارد و به جبهه برود و ۶-۷ سال و یا ۱۰ سال
بجنگند، ولی وقتی برگرده، پشت جبهه ببیند بازهم فنودال و خان بر روستاها
حکومت می‌کند!

وقتی یک ملت می‌بیند پشت جبهه خان حکومت
می‌کند، فنودال صاحب دهها هزار هکتار زمین است و به راحتی از خارج و کالت
نامه می‌دهد به زتش و به و کیوش و می‌آید به راحتی می‌گیره و پشت سران
بازخودش برمی‌گردد، فرهنگ خودش را هم می‌آورد، فرهنگ فحشاء و فساد
فرهنگ منکرات، فرهنگ بی‌حجابی تابع این زندگی اشرافی است و فنودالیسم
و زمینخواری و سرمایه‌داری...

- وی آنگاه تاکید کرد: به راحتی و با نطق ها، با سخنرانیها نمی‌شود این
گردنکشان خونخوار و طواغیت را سرچای خود بنشانیم. من به نطق های قبل از
دستور که مراجعه کردم، مایوس شدم.

بند وظیفه خود می‌دانم که این
موضوع را عرض کنم، چون من که خاصیتی درمجلس ندارم، بنابراین، این
نکته که به یادم می‌آید، عرض می‌کنم.

مسئله احتکار این مملکت را به نابودی -

می‌کنند، به این شکلی که دارد پیش می‌رود.
- وی افزود: من از یک مسئول بالای این کشور که نمی‌خواهم اسمش را
بیاورم، شنیدم که در جاتی، مثلاً در آذربایجان، هشتاد هزار حلب پتیر یک نفر
احتکار کرده و در آذربایجان حتی یک قالب، یک کیلو پتیر پیدا نمی‌شود،
جانی که مرکز تولید پتیر است!

..... واقعاً ما همین طور دست روی دست گذاشته‌ایم. طواغیت،
سرمایه دارها، سودجوها، فرصت طلبها که در انقلابی و در انقلاب ما پیشتر،
دنبال این فرصت‌ها هستند، دستشان را آزاد کرده‌ایم، مردم را دارند خلع می‌کنند.
ما هم اینجا ساکت نشسته‌ایم، در مجلس باز است، هر روز می‌آئیم، هر روز هم
می‌رویم، بعد هم لوابیعی که دور از مسائل روز است مطرح می‌شود!

مگر نمی‌بینم که مردم دارند فریاد می‌زنند، جانشان به
لبشان رسیده؟ از این فرسوری‌تر و بالاتر و با ارزش‌تر و با اهمیت‌تر کجا
هست؟

- وی سپس یادآور شد: آقایان! یک روزی برنج کیلویی ۷ تومان بود، بعد شد
۱۰ تومان و ۱۵ تومان، آقایان آمدند انگشت گذاشتند «آزاد بگذارید، فلان
بکنید، الان ۸۰-۹۰ تومان است که خود آقایان هم نمی‌توانید دیگر بخرید.

- ناطق در بخش پایانی این بحث خاطر نشان ساخت: این مسائل نشان
می‌دهد که ما واقعاً در حل مسائل مردم چقدر به حرف پرداخته‌ایم.

اطلاعات

چهارشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۶۵
- پیی مصلحت مجلس آراستند
نشستند و گفتند و برخاستند!
اما جان کلام همان است که گفتی: تو و امثال
تو خاصیتی نداری، چه در مجلس چه بیرون
مجلس!

بیماران اعزامی به خارج و مسئله ارز

هزینه‌های درمانی می‌طلبند - چون این مؤسسات
درمانی برای چاپیدن ملل جهان سوم بوجود
آمده‌اند. همچنین طفره رفتن سفارت از پرداخت
ارز مورد نیاز معالجه بیماران، باعث می‌شود که
بیماران اعزامی مدتها سرگردان و منتظر بمانند.
سفارت ج. ا. در بریتانیا - واقع در لندن - به
بهبادهای مختلف، از جمله عدم تأیید ارز از ایران،
مدتها از پرداخت ارز بیماران - واریز شده به
حساب سفارت - خودداری می‌کند. از طرف دیگر به
علت بهدیه‌های سفارت به بیمارستانهای خصوصی که
مقدار آن فقط به کلینیک لندن بالغ بر ۲۰۰ هزار
پوند می‌شود، این مراکز درمانی با بیماران ایرانی
بد رفتاری می‌کنند و از رسیدگی کافی به وضع آنها
سرباز می‌زنند. البته وابستگان به رژیم و
سرمایه‌داران بازار و بزرگ مالکان از این
تضییقات و سرگردانیها معاف هستند و از امکانات
ارزی سرشاری برای پرداختن به امر معالجه در اروپا
و آمریکا برخوردارند. این در حالی است که
اکثریت افراد زحمتکش شهر و روستا در کشور ما از
ابتدائی‌ترین امکانات بهداشتی - درمانی نیز
محروم هستند.

رژیم "ولایت فقیه" که از حل مشکلات
بهداشت و درمان کشور ناتوان مانده است، برای
کاهش فشار تقاضاهای بیماران، با وجود تنگناهای
ارزی که به آن مبتلاست، ماهیانه عده‌ای از
بیماران را برای معالجه راهی کشورهای اروپائی
می‌کند. بطوریکه از شهریور سال ۶۲ تا فروردین سال
۶۵، بطور متوسط ماهیانه ۲۰۰ بیمار برای معالجه فقط
به لندن اعزام شده‌اند. رژیم در این مدت متجاوز
از ۲۰ میلیون پوند را فقط به «کیسه» بیمارستانهای
خصوصی لندن سرازیر کرده است. وقتی در کشور ما
برای دهها هزار بیمار قلبی یک بیمارستان قلب
بیشتر نیست و برای معاینه نوبتهای یک سال تادو
سال و برای عمل جراحی نوبتهای ۴ تا ۵ سال می‌دهند
(اطلاعات ۱۷ آبان ۶۲)، همچنین با توجه به گفته
دکتر نوحی، معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش
پزشکی: "در حال حاضر حدود ۲۶ هزار نفر در نوبت
بستری شدن (تنها)، در بیمارستان قلب تهران
هستند" (اطلاعات ۶۵/۷/۲۲) معلوم می‌شود که
چرا بیش از ۵۰ درصد بیماران اعزامی به لندن را
بیماران قلبی تشکیل می‌دهند. حرص و آرزوهای
خصوصی درمانی در لندن که می‌بایست بیشتر را برای

برای نجات جان توده‌ایها ...

کمیته مرکزی حزب توده ایران نظر افکار عمومی ایران و جهان را به فجایعی که در این روزها در فراموشخانه‌های جمهوری اسلامی می‌گذرد، جلب می‌کند. ما هشدار می‌دهیم که ارگانهای سرکوبگر رژیم بار دیگر جنایات هولناکی را تدارک می‌بینند.

ما همه توده‌ایها، همه مبارزان آگاه، همه سازمانها و نیروهای دموکراتیک و میهن دوست را فراموش نکنیم تا با بهره‌گیری از همه امکانات هم در داخل کشور و هم در عرصه بین‌المللی برای نجات جان توده‌ایهای دربند بشتابند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۷ آذر ۱۳۶۵

مزایا را می‌توان گرفت، می‌توان هم نگرفت. ننوشته‌اند که کارگر باید در سود کارخانه شریک باشد. در زمان شاه هم برخی از کارگران از سود ویژه سهم می‌بردند، از مزایایی برخوردار بودند، کمک عائله مندی می‌گرفتند، سرویس رفت و آمد در اختیارشان بود و الی آخر ولی ریشه‌های استثمار خشک نشده بود.

کارگران آگاه ایران خود خوب می‌دانند که همه آن دریافتی‌های نقدی و غیرنقدی که در قبایل کار خود دریافت می‌کنند در واقع بخش بخور و نیبری از کار مزد خودشان است که بصورت‌های مختلف و پس از مبارزه به آنان بازپس داده می‌شود.

کارفرما هیچ چیزی را از جیب خودش نمی‌دهد. نه حق بیمه، نه سهم سود و نه مزایای دیگر. منبع سودهای سرشار کارفرمایان و "صدقاتی" که به روحانیون می‌دهند همه و همه حاصل آن ارزش اضافی است که از بهره‌کشی غارتگرانه کارگران بدست می‌آورند. مسلمان بودن یا نامسلمان بودن کارفرما هیچ تغییری در ماهیت قضیه نمی‌دهد.

اما آن دو تعریف تقریباً یکسان از واژه "کارگر" مانع از آن نشده است که تدوین کنندگان لایحه مدعی شوند: "بنابراین در تعریف جدید ریشه‌های استثمار را در نظر گرفته و آنها را از بین برده‌ایم."

ریشه استثمار در مناسبات ناعادلانه، در تعلق ابزار و وسایل تولید به مستی غارتگر و نه اکثریت مردم و در تضاد میان جنبه اجتماعی روند کار و جنبه خصوصی تملک حاصل آن نهفته است و نه در بازی با کلمات و کاربرد واژه‌های تازی بجای واژه‌های فارسی.

انسان بی‌اختیار بی‌آداه‌ای گردانندگان رژیم در مورد احیای ارزش‌های انسانی و شرافت زن پس از برقراری جمهوری اسلامی می‌افتد که در واقع چیزی جز بی‌حقوقی کامل زن، کنیز و نیمه انسان یحساب آوردن او، اشاعه ازدواج موقت (یا فحشای شرعی) و ... نیست.

ریشه استثمار از وجود رژیم‌های کارگرستیز سرمایه‌داری نظیر رژیم جمهوری اسلامی ایران سیراب می‌شود. تنها در نظام سوسیالیستی است که بهره‌کشی انسان از انسان پایان می‌پذیرد.

چگونه در جمهوری اسلامی ریشه‌های استثمار خشک میشود؟! درباره "حق السعی" و "سهم السود" در لایحه کار

توجیه می‌کند:

"تعریفی که در قانون کار سابق از کارگر وجود داشت بیانگر برداشت نظام گذشته از کارگر بود. در قانون سابق کارگر به اینصورت تعریف شده بود که کارگر کسی است که در مقابل دریافت مزد یا حقوق به دستور یا به درخواست کارفرما کار می‌کند. یعنی در حقیقت کار کارگر را در مقابل میزان مشخصی پول می‌خریدند و او در مقابل مقداری پول خریداری می‌شد و هیچگونه حق و حقوق دیگری برای کارگر قائل نبودند و اختیارات و حس مشارکت کارگر در محیط کار در قانون سابق به چشم نمی‌خورد. در قانون کار فعلی (جدید) که در حقیقت حداقل پاسخ مثبتی است که به ایثارهای پیوسته جامعه اسلامی و انقلابی کارگران کشورمان می‌دهیم تعریف کارگر با تعریف قانون گذشته متفاوت است. در تعریف جدید کارگر ریشه‌های استثمار را در نظر گرفته و آنها را از بین برده‌ایم. سعی شده است که کارگر در حاصل کار خود شریک و از مزایای کار بهره‌مند باشد. آنطور نباشد که کارگر کار کند و سفره اربابها و خوانین (!) و صاحبان صنایع و سرمایه‌دارها پر شود و کارگر در سفره خود نان خالی هم نداشته باشد. این شرایط کاملاً برهم خورده است. کارگر در تعریف ابتدایی قانون در بهره‌وری کارگاه سهیم و شریک شده است."

آیا واقعا تعریف کارگر در لایحه کار در مقایسه با قانون کار زمان شاه این تفاوت‌های ماهوی را در خود نهان دارد؟

پارديگر و تعريف را كنار هم بگذاريم: لایحه کار: "کارگر از لحاظ این قانون کسی است که بهر عنوان در مقابل دریافت حق السعی اعم از مزد، حقوق، سهم السود و سایر مزایا بدرخواست کارفرما کار می‌کند."

قانون کار: "کارگر کسی است که در مقابل دریافت مزد یا حقوق به دستور یا به درخواست کارفرما کار می‌کند."

آیا جز گنج‌نبدن واژه عربی "حق السعی" و ترکیب عربی - فارسی "سهم السود" (معادل "مشارکت کارگران در سود کارخانه‌ها"، یکی از اصول "انقلاب شاه و مردم")، افزودن "بهر عنوان" و حذف "به دستور"، آیا پاسخ مثبت دیگری به "ایثارهای جامعه اسلامی و انقلابی" و "حق و حقوق" تازه‌ای برای کارگران به چشم می‌خورد؟

پاسخ البته منفی است. می‌توانستند بجای "حق السعی" بنویسند کارمزد که هم دستمزد برای کار معین، هم حقوق برای کار در مدت معین و هم مزایای دیگر را دربر بگیرد. ولی تمایل خودپسندانه به فضل فروشی و کوشش مودیان برای استفاده از واژه‌های نامفهوم که زحمتکشان آن را نفهمند و توضیح و تفسیر بعدی در انحصار خودشان بماند انگیزه این واژه سازی شده است. از این‌ها که بگذریم هیچ تفاوت ماهوی میان دو تعریف مشاهده نمی‌شود. "سهم السود و سایر

اخیراً لایحه کار پس از مدت‌های طولانی "بررسی" به تصویب کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس رسید و قرار است بزودی در مجلس نیز تصویب شود. متن کامل لایحه در روزنامه‌ها منتشر یافته است. در این لایحه اساسی‌ترین حقوق کارگران نادیده گرفته شده است. البته در یک مقاله کوتاه نمی‌توان به بررسی این لایحه پرداخت و تنها یک اشاره گذرا نیز به این یا آن نقص لایحه دردی را درمان نمی‌کند. باید مجموعه این لایحه در جزئیات آن در همه جا مورد بحث و نقد قرار گیرد و بویژه نمایندگان خود کارگران در این بررسی‌ها شرکت مستقیم و فعال داشته باشند.

اصولاً مسئله تنظیم قانون کار در هر کشور سرمایه‌داری همیشه عرصه مبارزه جدی طبقاتی است. چنین قانونی تناسب نیروها میان فروشندگان نیروی کار و کارفرمایان را منعکس می‌کند. هنگامی که در یک کشور سرمایه‌داری حکومت دیکتاتوری فاشیستی و تروریستی حاکم می‌شود، قانون کار در آنجا بیانگر منافع هارترین بخش بهره‌کشان و غارتگران است و زمانی که طبقه کارگر متحد موفق می‌شود با مبارزات صنفی و سیاسی، طبقات بهره‌کش و دولت نمایندگانش را زیر فشار بگذارد، برخی از خواسته‌های مبرم کارگران نیز در قانون جای خود را باز می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران نیز یک کشور عقب مانده سرمایه‌داریست. اگر در نخستین سالهای پس از انقلاب سران رژیم از اعتراف به این واقعیت کمی اکراه داشتند و یا تحت تاثیر عوامل گوناگون از جمله جوانان انقلابی موجود جرئت ابراز مستقیم آن را پیدا نمی‌کردند و زیر پرده "اقتصاد اسلامی" پنهان می‌شدند، پس از هجوم خونین و وحشیانه به همه نیروهای مترقی و بازگرداندن وقیحانه کارخانه‌ها و اراضی مزروعی به سرمایه‌داران و ملاکان فراری، دیگر نه خود انکار می‌کنند و نه برای کسی جای تردیدی باقی مانده است، که "اقتصاد اسلامی" مورد نظر سران مرتجع جمهوری اسلامی همان اقتصاد سرمایه‌داری عقب مانده است، آنهم تحت رژیمی نه از نوع فاشیسم اروپایی، بلکه چیزی بدتر از آن، یعنی یک دیکتاتوری خونخوار و خونریز مذهبی که خفقانی قرون وسطایی را بر کشور حاکم کرده است.

حتی بررسی ماده اول این لایحه که موضوع این مقاله است برای پی بردن به ماهیت تنظیم کنندگانش کافیست.

در ماده یک لایحه گفته می‌شود: "کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق السعی اعم از مزد، حقوق، سهم السود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می‌کند."

آقای حسین کمالی، نماینده مجلس و یکی از تدوین کنندگان قانون، این تعریف جدید را چنین

رفسنجانی زدویند با آمریکا...

کرده اند. آنها همچنین اعتراف کرده اند که هدف از فروش تجهیزات نظامی، از موشک گرفته تا یدکیهای پیچیده، تقویت "گروههای میانه‌رو" در حاکمیت بوده است. رفسنجانی به مردم ایران توصیه می‌کند تا همه این شواهد زنده و غیر قابل انکار را نادیده بگیرند و "استدلال" وی و یارانش را درباره انکار وجود هر گونه روابط پنهانی با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیل بپذیرند.

رفسنجانی می‌گوید: "اگر رابطه ما با آمریکا مثل گذشته می‌بود، وابستگی ما امروز بدتر از زمان شاه به آمریکا وجود داشت." باید پرسید: آیا بالاتر از سیاهی هم رنگی هست؟ در واقع، رفسنجانی با طرح موضوع از این زاویه می‌خواهد بگوید که وابستگی رژیم به امپریالیسم جهانی هنوز به شدت و حدت دوران شاه نرسیده است، و برای اثبات این نظر مسائلی از قبیل سیادت آمریکا بر منطقه، طرح، اسلحه، جنگ، اقتصاد، درآمد و... را مطرح می‌سازد.

مردم ایران حق دارند از رفسنجانی و یارانش بپرسند: آیا امروز، سراسر منطقه زیر بیوغ امپریالیسم آمریکا نیست؟ وجود شبکه گسترده پایگاههای نظامی آمریکائی از کینه و مضر و عربستان سعودی و سومالی گرفته تا بحرین و عمان و نیز حضور دائمی ناوگان جنگی آمریکا در دهانه خلیج فارس را چگونه باید تعبیر کرد؟ آیا نیروی نظامی ۲۰۰ هزار نفری "اقدام سریع" که بعدها به "فرماندهی مرکزی" تغییر نام داد و هدفش دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه به قصد سرکوب نهضت‌های رهائی بخش است باز به معنی تحکیم حضور نظامی آمریکا در منطقه نیست؟ آیا نیروهای مسلح ایران که مجهز به سلاحهای آمریکائی هستند، نیازمند به یدکیها و دیگر تجهیزات نظامی ساخت آمریکا نیستند؟

در مورد اقتصاد و درآمد و غیره نیز مسئله به

اندازه ای روشن است که نیازی به تفسیر ندارد. همه می‌دانند و حتی برخی از گردانندگان امور کشور هم بارها اعتراف کرده اند که صنایع ایران وابسته به مواد خام و یدکیها و قطعات منفصله وارد از کشورهای سرمایه‌داری غرب بوده و هست. این وابستگی در مورد درآمد ارزی هم صادق است. یگانه درآمد ارزی ج. ا. از فروش نفت خام است. هم ساختار مصرف و منابع تامین آن و هم بهای نفت خام در بازار جهان سرمایه‌داری را انحصارهای بزرگ نفتی که پنج انحصار آمریکائی در راس آنها قرار دارند، تعیین می‌کنند. در این مورد وابستگی رژیم بیش از پیش تجلی می‌کند. اولاً رژیم به نوسانات مصرف در کشورهای امپریالیستی وابسته است. ثانیاً این انحصارهای نفتخوار هستند که بهای نفت را به دلخواه خود تغییر می‌دهند. ثالثاً درآمد ایران از فروش نفت وابسته به نوسانات ارزش دلار در بازار جهانی است. بدینسان آیا باز می‌توان از "استقلال" سران رژیم در زمینه اقتصاد و درآمد سخن گفت؟

درباره خرید تجهیزات نظامی مورد استناد رفسنجانی، "نامه مردم" تاکنون مدارک زیادی منتشر ساخته است. در این شماره نیز، متن دو نامه سری پیرامون خرید سری اسلحه را که در روزنامه "اکسپرس" (۱۹ نوامبر ۱۹۸۶) چاپ سوئد انتشار یافته است کلیشه می‌کنیم.

بر پایه گزارشهایی که انتشار یافته است، قرار بود که "واشنگتن" تجهیزات نظامی به میزان ۶۰ میلیارد دلار تحویل رژیم ج. ا. بدهد. سلاحهایی که تاکنون به تهران حمل شده به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار بوده است.

ارتباط پنهانی "تهران" و "واشنگتن" محدود به ۱۸ ماه اخیر و فقط در سطح دولتی برای معامله اسلحه و "بهبود مناسبات" نبود روزنامه‌های آمریکائی فاش ساختند که ارتباط پنهانی میان ارگانهای اطلاعاتی رژیم با سازمان جاسوسی "سیا" از سالهای پیش آغاز شده بوده است. "سیا" با دادن

"اطلاعات" درباره گروهی از اعضا حزب توده ایران به ارگانهای اطلاعاتی رژیم و متهم کردن آنها به "جاسوسی" مبتکر و سازمانده اصلی یورش فاشیستی به حزب توده ایران بود که در نتیجه آن ده هزار توده‌ای را روانه سیاهچالها کردند، ده‌ها نفر از بهترین فرزندان خلق را با به جوخه‌های اعدام سپردند و با زیر شکنجه‌های حیوانی شهید کردند.

رفسنجانی و یارانش ملاقات مقامات رسمی ج. ا. با مک فارلین فرستاده ویژه ریکان را انکار می‌کنند. "نامه مردم" اسامی افسران و کارمندان عالی‌رتبه وزارت امور خارجه و دفتر ریاست جمهوری را که در مذاکرات رسمی با مک فارلین شرکت داشتند منتشر ساخت. متن مذاکرات دو هیئت نمایندگی در بولتن هفتگی اداره چهار وزارت اطلاعات ج. ا. که سری است و فقط در اختیار سردمداران اصلی سیاسی، نظامی و امنیتی رژیم قرار می‌گیرد، درج شده است. مطابق این بولتن هیئت آمریکائی اظهار داشت:

"آنچه از نظر دولت "واشنگتن" بسیار حائز اهمیت است، موافقت ایران با خواست دولت آمریکا مبنی بر استقرار دو ایستگاه نیرومند علیه دولت کمونیستی روسیه شوروی، می‌باشد. در این مورد لازم می‌دانیم به اطلاع برسانیم که بوسیله این دو ایستگاه ما تمام فعالیت‌های روسها را در جمهوری آسیای مرکزی و بویژه آزمایشهای موشکی آنان را تحت نظر قرار داده و دستگاههای الکترونیکی بسیار دقیق و حساس ما می‌توانند تمام پیامها و مخابرات الکترونیکی دولت کمونیستی روسها را در تمام مناطق تا جنوب ایران (خلیج فارس) ضبط نمایند. از نظر دولت ما اینگونه اطلاعات نهایت ارزش را برای ما و دوستی میان ایران و آمریکا و تثبیت ایران نیرومند و ضد کمونیست دارد."

آیا سران رژیم باز هم منکر وجود ارتباط

دوسند خیانت جمهوری اسلامی

BANQUE D'INVESTISSEMENTS PRIVÉS
7, place de l'Université
1203 Genève
Tél. 022 20 71 01 - Telex No. 02 191 - A.B. 1049 - P. Suisse

COPIE

EXPRESS REGISTERED MAIL
SWISS CREDIT BANK
Account No 0870/653825/62/1
Paradeplatz
8001 ZURICH

1221 Genève 11, le January 13, 1986
Case No. 128

Dear Sirs,

We hereby confirm that we are holding irrevocable instructions signed by Mr. [redacted] to pay you 5% of the FOB merchandise values of contract No 111 of December 24, 1985, between himself and the Islamic Republic of Iran, up to a total of US\$ 6,947,750.- (which will be paid in several amounts at different times).

In the Name of God

ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

Tehran

January 3, 1986

COMMERCIAL INVOICE NR. 111 H.

for the delivery of 1'250 units according to Contract Nr. 111 of December 24, 1985

USD. 37'179'625.--

for CIF-Delivery of above goods and quantities as per above Contract Nr. 111 of December 24, 1985.

دوسند خیانت جمهوری اسلامی "بنام خدا" ۱۷۱۷۴۲۵ دلار بابت خرید یک محموله نظامی می‌پردازد. سند دست چاپ حقی دلالی نزدیکه به ۷ میلیون دلار است، که وزیر دفاع ایران بخاطر نقش خود در خرید اسلحه از یک بانک سوئیسی دریافت می‌دارد.

دهقانان اراضی کشت موقت را پس نمی دهند

مسئله اراضی معروف به "کشت موقت" که نزدیک به ۱/۴ از بهترین اراضی زراعی کشور را تشکیل می دهد، مجدداً حد و به موضوع روز مبدل شده است.

طبق برآورد مسئولین، مساحت این اراضی بین ۷۵۰ - ۸۰۰ هزار هکتار تخمین زده می شود. این بخش از اراضی مزروعی پس از پیروزی انقلاب با فرار زمین داران بزرگ و وابستگان به دربار به وسیله دهقانان تصرف شد. در بسیاری از موارد کمیته های دهقانان کم زمین و بی زمین پاراشاد و هدایت نیروهای انقلابی کار تقسیم اراضی را به انجام رسانیدند. تقسیم این اراضی بین دهقانان که بعدها به اراضی کشت موقت معروف شد، یکی از دستاوردهای انقلاب بهمن بود.

حکام مرتجع جمهوری اسلامی که حیطة تقدس "مالکیت" را در خطر دیده بودند، بارها برای خلع ید از دهقانان متصرف و تنبیه روستائیان آگاه، به روستاها هجوم بردند. آنان عمل ضد دهقانی خود را زیر پوشش مخالفت با عمل "غیر مشروع روستائیان و حرام بودن عمل تصرف عدوانی" آغاز کردند. مسئولین امر با پایاژ گذاشتن دست زمین داران بزرگ و قراربان بازگشته به کشور زیر حمایت حکام واپسگرا و خونریز شرع، با زندانی کردن، شلاق زدن و تبعید دسته جمعی روستا نشینان همچنان به عمل ضد انسانی خود ادامه دادند.

با اوج گیری مقاومت دهقانان عوامل حکومتی و زمین داران تحت حمایت آنان حتی به هجوم مسلحانه نیز دست زدند و عده زیادی از جوانان روستائی و دهقانان مبارز را بخاک و خون کشیدند، ولی به علت ادامه مبارزه گسترده و

مقاومت رو به رشد دهقانان ناچار به عقب نشینی شدند و نتوانستند زمین های مذکور را از دست صاحبان اصلی آن خارج کنند. رژیم که انتظار چنین مقاومت وسیع و گسترده ای از طرف روستائیان را نداشت دست به عوام فریبی زد و برای فرو نشاندن جنبش دهقانی که بصورت پراکنده ولی پرقدرت در حال رشد بود، لایحه "احیاء و واگذاری اراضی موات" را در مجلس تصویب کرد. هدف نهائی از تصویب این لایحه تعیین تکلیف همین اراضی کشت موقت بود. یزدی معاون مجلس برای نشان دادن اهمیت مسئله برای تصویب این طرح گفت که "اساس نظام" در خطر است. بنابراین می توان خوردن گوشت میته را هم در چنین شرایطی جایز دانست. (اطلاعات ۲۶ دیماه ۱۳۶۴).

لایحه پس از بحث و گفتگوهای مفصل تصویب و برای تأیید قطعی به شورای نگهبان "سرمایه" داده شد. اما امروز با گذشت حدود یک سال از تصویب لایحه مزبور و در حالیکه مرتجعین و مالکین پس از فتوای "ولی فقیه" مبنی بر دوختن دهان منتقدان اوضاع را به نفع خود تشخیص می دهند، سخنگوی شورای نگهبان تصمیم نهائی این ارگان ارتجاعی مبنی بر رد طرح مصوبه و استرداد زمین به مالکان بزرگ را اعلام می کند: "اراضی کشت موقت که حدود ۷۵۰ هزار هکتار است ... که باید تکلیف آنها روشن شود ... بحث شورای نگهبان روی این مسئله بود که مثلاً اگر قاضی ضمن رسیدگی ببیند که چه مقدار از این اراضی مشمول اصل ۴۹ است و از غصب، رشوه، اختلاس، سرقت یا قمار و ... از موقوفات بدست آمده است این را دولت می گیرد و به صاحب حق رد می کند و در صورت معلوم

نبودن صاحب به بیت المال می دهد. و اما اگر آنهائی که مشمول اصل ۴۹ نیست، آنها هم مال مالکین است ولی طبیعاً این که دست کشاورزان و زارعین است باید بصورت اجاره یا بصورت مزارعه باشد طبق مصوبات مجلس که قبلاً به شورای نگهبان آمده بود مجلس ضرورت کشت را با دو سوم تصویب کرد ولی ضرورت فروش را مشخص نکرده بود" (امامی کاشانی سخنگوی شورای نگهبان - "کیهان" ۱۲ مهر ماه ۱۳۶۵).

وی با بیان نظریه شورای نگهبان تکلیف مجلس را هم روشن کرد. غافل از اینکه تکلیف زمینهای "کشت موقت" را در واقع دهقانان روشن کرده و می کنند، دهقانان ایران حرف آخر خود را زده اند: "مالک" را به ده و اراضی خود راه نمی دهند و در این راه تا پای جان ایستاده اند.

این رانتها مانی گوئیم، بلکه برخی از عوامل مورد اعتماد خود رژیم هم به آن اعتراف می کنند. فی المثل سلطانی نماینده مجلس در نطق قبل از دستور خود در هفدهم مهر خطاب به امامی کاشانی می گوید: "الان پرونده های خیلی زیادی در دادگاه وجود دارد که بنا به اعتراف خود پر ادراشی که در قسمتهای قضائی هستند ... بعضی جاها حکم داده شده حتی مسائلی را هم به وجود آورده. زارع حتی حاضر شده که شلاق بخورد، زندان هم پرود، منتهی بعد از این که از زندان بیرون آمد، باز دوباره پرود سر زمین و این ضرورتش از اینجا احرار می شود که ما نمی توانیم ۶۰۰ هزار نفر را یعنی چیزی در حدود ۱۲۰ هزار خانوار را از این مقدار زمین جدا کنیم. الان خیلی از این زارعین هستند که ادعای مالکیت روی این زمینها دارند و می گویند که ... ما حاضر نیستیم به هیچ وجه این زمینها را رها بکنیم" ("اطلاعات" ۱۹ مهر ۶۵)

زدوبند با بریتانیا

مذکور، تجهیزات رادار و ۲۰۰ جیب "لندروور" نظامی نیز به عراق فروخته شده است.

وزارت امور خارجه بریتانیا روز ۵ دسامبر ۸۶ اعلام کرد که هیچگونه ممنوعیت فروش اسلحه به ایران یا عراق وجود ندارد، اگر چه رهنمودهای صادرات بریتانیا، فروش اسلحه را که ممکن است جنگ خلیج را طولانی تر کند، منع کرده است.

مورنینگ استار، ۶ دسامبر ۱۹۸۶

سخنگوی حزب کارگر بریتانیا در امور حمل و نقل و نماینده مجلس عوام "راجاسکات" در نامه ای که به خانم تاچر نوشته است، از موارد فروش اسلحه که "احتمالاً از طریق دفتر واردات اسلحه ایران در لندن به ایران فرستاده شده است"، اظهار شگفتی کرد.

آقای اسکات در این نامه نوشت که در سال ۱۹۸۴ شرکت "رولز رویس" موتورهایی به ارزش ۲ میلیون پوند برای نیروی دریایی ایران فرستاد و "بریتیش ها ورکرافت کورپوریشن" دو هاورکرافت جنگی به ایران را بازسازی کرد.

اسکات همچنین اعلام کرد که سال گذشته قطعات یدکی تانکهای "چیفتن" و خودروهای مسلح "اسکورپیون" و سه کشتی جنگی سفارش شاه برای رژیم خمینی فرستاده شده اند. او گفت سال جاری شرکت "لندروور" به منظور تحویل خودروهای نظامی به ارزش ۲۰۰ میلیون پوند به ایران، وارد مذاکره شده است. مطابق گزارشهای موجود، موسسه "پلیسی" نیز برای تحویل رادار و تجهیزات کنترل عبور و مرور هوایی، با ایران مذاکره کرده است.

اسکات همچنین گفت گمان می کند که در "اقدامی ناهنجار" برای موازنه فروشهای

پنهانی با امپریالیسم آمریکا خواهند بود؟

افشا زد و بندهای پشت پرده رژیم هشدار جدی به نیروهای انقلابی و دمکراتیک است که نمی توانند آن را در تعیین مشی سیاسی خود در نظر نگیرند. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل با همکاری شماری از سران مرتجع رژیم توطئه جدیدی را علیه استقلال کشور تدارک می بینند. انتشار اخبار مربوط به این توطئه ضد ملی به هیچ وجه به معنی پایان آن نیست. استراتژی امپریالیسم آمریکا با هدف احیاء مواضع از دست رفته اش در ایران به مثابه بزرگترین کشور منطقه نفتخیز خلیج فارس و دارای مرز طولانی با اتحاد شوروی، تغییری نیافته است. علیرغم سر و صداهائی که پیرامون "ایران گیت" در ایالات متحده آمریکا بلند شده، واشنگتن کماکان به توطئه های خود علیه خلقهای میهن ما ادامه خواهد داد. اصرار امپریالیسم آمریکا در ادامه جنگ نیز از این سیاست "واشنگتن" نشات می گیرد. محافل بانفوذی در حاکمیت نیز، چنانکه عملاً نشان دادند، در پیاده کردن استراتژی "واشنگتن" ذینفع هستند. همین محافل بودند که با توسل به پلیدترین شیوه ها به سرکوب نیروهای انقلابی و دمکراتیک پرداختند تا زمینه را برای فعالیت آزاد عمال دست نشانده امپریالیسم آماده کنند. پیگیر متحد باید علیه این سیاست ضد خلقی مبارزه کرد.

مرگ بر
امپریالیسم آمریکا،
دشمن اصلی
خلق های ایران و
جهان!

عنايات خاصه "سيا" در ...

دست اندرکاران جمهوری اسلامی برای پوشاندن خیانت خود به آماجهای انقلاب، ولی ما خواه پیش از یورش و خواه پس از آن، علل و عوامل و ماهیت سنگ اندازی در راه فعالیت آزادانه حزب توده ایران و یورش به آن راه روشنی بررسی و خاطر نشان می‌ساختیم. ما بدرستی یاد آور می‌شدیم که حزب توده ایران بخاطر مسلح بودن به تلگوری انقلابی و خصلت عمیقا میهن پرستانه و انترناسیونالیستی و داشتن برنامه عملی در زمینه‌های گوناگون، بخاطر پیگیری در راه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و افشاندن بذر آگاهی و تشکل در بین آنها و بخاطر افشای توطئه‌های رنگارنگ دشمنان خلق و انقلاب همواره چون خاری در چشم ارتجاع و امپریالیسم بوده است. از این رو هر چشم زخمی به انقلاب و دستاوردهایش، هر خوش رقصی و کرنشی در برابر ارتجاع و امپریالیسم، با حمله به آشتی‌ناپذیرترین دشمنان آن یعنی حزب توده ایران، با تلاش در راه بستن زبان و پایان بخشیدن به فعالیت آن، پیوند می‌خورد. ما در همان زمان گفتیم که ارتجاع و امپریالیسم تنها با گذشتن از روی پیکر شکنجه دیده و در خون خفته توده ایها می‌توانند در راه احیای مواضع غارتگرانه گذشته خویش گام بردارند.

ما در نخستین تحلیل پس از یورش بهمین نوشتیم:

"کار تدریجی و طولانی امپریالیستها و عمال "سیا"، "موساد" و "اینتلجنس سرویس" اینک دارد به محصول می‌نشیند."

"ماموران ساواک و "سیا" که در مقامات مختلف و حساس جمهوری اسلامی ایران لانه کرده‌اند در این مورد نقش خود را ایفا نمودند."

در تحلیلی دیگر تحت عنوان "اطلاعاتی پیرامون بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران" با صراحت نوشتیم که دستگیری توده ایها در پی "پاپوش" دوزی "سازمانهای جاسوسی امپریالیستی" و عمال آنها صورت می‌گیرد و خاطر نشان ساختیم که در واقع اعضا و کادرهای حزب توده ایران "زندانی "سیا" و اینتلجنس سرویس اند ..."

اکنون که نزدیک به چهار سال از یورش به حزب توده ایران می‌گذرد، با توجه به مجموعه تغییر و تحولاتی که در سیاست داخلی و خارجی رژیم رخ داده است، سؤال اینست که آیا گذشت زمان سیر رویدادها بر نظر حزب مامور حقیقت زدویا بر دعاوی پوچ رهبران خائن جمهوری اسلامی؟

آنچه که در صفحه اول روزنامه آمریکائی "اینترنشنال هرالد تریبون" راه یافته، شاهد نوینی بر این واقعیت است که یورش به حزب توده ایران شمره همکاری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی با نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران بود. اینترنشنال هرالد تریبون " (۲۰ نوامبر ۸۶) می‌نویسد: "به گفته منابع آگاه، برای مثال در سال ۱۹۸۲، "سیا" در یک عملیات سری برای در اختیار حکومت (جمهوری اسلامی) گذاردن فهرست ماموران و همکاران کا.گ.ب. شوروی که در ایران عمل می‌کردند، شرکت کرد و بدنبال این عملیات سری بود که حکومت ایران تعدادی را اعدام کرد و

فعالیت "حزب کمونیست توده راد ایران" ممنوع کرد.

بدینسان هر خواننده صادقی، با آگاهی از این خبر حداقل می‌تواند پی ببرد که "هدایت حق تعالی و عنایات خاصه ولی‌الله‌العظم ارواحنا فداه"، و "خداوند" و "تاریخ" و "معجزه الهی" و دیگر استنادات فریبکارانه‌ای که کارگزاران رژیم در توجیه یورش به حزب توده ایران بکار گرفتند، ریشه در "توانائیها" و "عنايات خاصه" سازمانهای جاسوسی امپریالیستی از جمله "سیا" داشته است.

پیش و پس از یورش به حزب توده ایران، ما بارها و بارها به روشنی زمینه‌ها و محمل‌های عینی پیش رفتن "خط" امپریالیستها و سازمانهای جاسوسی آنها در جمهوری اسلامی را شکافتیم و اهرمهای اصلی اجرای توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی از جمله در عرصه سرکوب آزادیهای دموکراتیک و یورش به نیروهای مترقی و انقلابی، بویژه حزب توده ایران را معرفی کردیم. از جمله با سیاه بر سفید نوشتیم:

"سازمانهای نظیر ساواک و حجتیه که از سالها پیش توسط "سیا" ساخته شده‌اند، پس از انقلاب بازسازی شدند و اینک ... در سراپای دستگاه دولتی نفوذ کرده و بویژه مواضع کلیدی را در برخی مقامات حساس امنیتی اشغال کرده‌اند ... ("بحران انقلاب و ... ۶۲/۱۲/۲۶). همچنین نوشتیم:

"سازمانهای امپریالیستی توانستند پس از انقلاب در ارگانهای اطلاعاتی جمهوری نفوذ کنند ... آن بخش از ساواک شاه که فعالیت ضد حزب توده ایران و سازمانهای چپ را اداره می‌کرد دست نخوردند و به ظاهر به خدمت جمهوری اسلامی ایران درآمدند و کسی چون فردوست، دست راست شاه و مسئول امور امنیتی دربار به جمهوری اسلامی ایران "پیوست" ("اطلاعاتی در پیرامون بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران").

آری سرشته اصلی تهیه یا دریافت فهرست توده ایها و توطئه پردازی بر ضد آنها دقیقاً در دست عوامل شناخته و ناشناخته امپریالیسم همانند فردوست‌ها قرار داشته و دارد. اگر چه فردوست، پس از پنج سال خدمتگزاری به جمهوری اسلامی و رهبران مرتجع آن، بدستور اربابان خود، صحیح و سالم راهی خارج از کشور شد و اعلام داشت که دلیل ماندن من در ایران تنها حفظ ارتش و تشکیلات امنیتی ایران از تعرض کمونیستها و خلقیها ... بود. و اینک که این مهم رابه انجام رسانده ام جهت شرکت در عملیات براندازی (بخوان: جهت ایجاد هماهنگی در بین دست‌پروردگان "سیا" و پیشبرد توطئه‌های امپریالیستی در ایران) به خارج آمده‌ام" (ورق پاره "آرا" شماره ۱۰۱)، ولی بارانش در "وزارت اطلاعات"، و دیگر ارگانهای نظیر، در هماهنگی با دیگر مهره‌های "سیا"، "موساد"، "اینتلجنس سرویس"، که حتی بر کرسیهای وزارت و صدارت نیز تکیه زده‌اند، همچنان راه او را ادامه می‌دهند. "امنیت کشور" را تامین می‌کنند. امنیتی که در سایه آن مک فارلین‌ها با اطمینان خاطر برای جلب "میان‌روها" به ایران سفر می‌کنند.

امروز پس از گذشت نزدیک به چهار سال از

اعلامیه حقوق ...

زندگی، آزادی و امنیت شخصی هستند، هیچکس نباید تحت شکنجه و آزار و رفتار با مجازات غیر انسانی و توهین آمیز قرار گیرد، هیچکس نباید مورد بازداشت، حبس و یا تبعید خودسرانه واقع گردد، هر کس بطور مساوی حق دارد در تعیین حقوق و وظایف و هر گونه اتهام جزائی علیه خود، از دادگاهی علنی، عادل، مستقل و بیطرف برخوردار باشد، هر کس از حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب برخوردار است و ...

اما، سران رژیم ج.ا. با تبدیل ایران به زندان ایرانیان، میلیونها انسان را از این حقوق مسلم مصوب سازمان ملل متحد محروم ساخته‌اند. آزادی عقیده و بیان، آزادی برخورداری از دادگاه‌های علنی و مستقل درج.ا. جرم شناخته می‌شود. هم اکنون ده‌ها هزار زندگرا ندیش که حاضر به قبول رژیم "ولایت فقیه" نیستند یا در سیاهچال‌ها به مرگ تدریجی محکوم گردیده‌اند و یا به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند.

شکنجه و آزاد وحشیانه روانی و جسمی یکی از شیوه‌های رایج جمهوری اسلامی است. در این شماره ما اعلامیه حزب توده ایران رادر باره اعتصاب غذای توده ایهای دربند منتشر کرده ایم. گناه آنان چیست؟ مبارزان توده‌ای به زیر پا گذاردن ابتدائی‌ترین حقوق زندانیان سیاسی، به شکنجه و آزار مستمر زندانیان اعتراض می‌کنند. پاسخ زندانبانان در مقابل خواست مراعات مواد مندرج در اعلامیه حقوق بشر، انتقال توده ای‌های دربند به سلولهای انفرادی است. اتاقتها "تشمیت" بار دیگر بکار افتاده است. ارتجاع سیاه برای درهم شکستن اراده مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی از توسل به هیچ جنایتی رویگردان نیست.

رژیم ج.ا. نیز مانند رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، صهیونیستهای اسرائیل، رژیمهای دست نشانده امپریالیسم در پاکستان و ترکیه و کره جنوبی و شیلی و السالوادور و غیره تروریسم را به سطح سیاست دولتی ارتقا داده است. زندانیان سیاسی، مبارزین راه آزادی و استقلال ایران باید آزاد شوند. این خواست اکثر مردم ستمدیده ماست. مبارزه قاطع و پیکر در این راه وظیفه هر فرد انسان دوست و همه نیروهای ملی و مترقی است.

یورش به حزب توده ایران به درستی می‌توان بر این واقعیت تاریخی تاکید ورزید که یورش به حزب توده ایران، یورش به انقلاب و دستاوردهای آن بود. دستگیری، شکنجه و اعدام توده ایها در واقع انتقام امپریالیسم و ارتجاع از حزب ما بخاطر آشتی‌ناپذیری اش در عرصه نبرد ضد امپریالیستی و بخاطر پیگیری و پشتیبانی درنگ‌ناپذیرش از حقوق زحمتکشان و نیز بخاطر تلاش خستگی‌ناپذیر در راه ایجاد دگرگونی بنیادی در جامعه ایران بسود محرومان بود. "گناه" و "جرم" حزب ما و همچنین علل یورش به آن، از شیوه نگرش و عملکرد ما جدا نیست. یگانه "جرم" توده ایهای دربند کینه‌توزی دشمنانه به امپریالیسم و ارتجاع و عشق آتشین به زحمتکشان است.



از مین
در بند

به مامی نویسد

دستگیری نمایندگان خراسان

سه تن از نمایندگان خراسان در مجلس شورای اسلامی به جرم توهین به مقامات قضائی دستگیر شده اند. بدینسان تعداد نمایندگان مجلس تحت بازداشت به هفت نفر رسیده است.

کاشانی طلب عفوکرد

سرمنگ محمد مهدی کتبی، رئیس ضد اطلاعات کل ارتش که در ارتباط با احمد کاشانی دستگیر شده بود، "موقتاً" از زندان آزاد شد. اما خود احمد کاشانی طی نامه ای از زندان خطاب به رئیسنجانی طلب عفو و بخش کرده است.

دفاع از هاشمی و همراهانش

در این روزها اطلاعیه‌ها و شبنامه‌های زیادی از طرف سپاه، حوزه، علمیه، قم، عده ای از اعضا "انجمن اسلامی دانشگاهها" به دفاع از سید مهدی هاشمی و گروه وی صادر شده است. گروه سید مهدی هاشمی قبل از دستگیری اطلاعیه‌هایی به امضا "پیروان شهید محمد منتظری"، "جمعی از طلاب"، "عده ای از پاسداران اسلام" منتشر و بطور وسیع در قم و نجف آباد پخش کرده بودند. در اطلاعیه ای که ۷ آبان ماه سال جاری با امضای "جمعی از طلاب" انتشار یافت هاشمی رئیسنجانی، ری شهری و خامنه ای به "بند و بست در جنگ و مصالحه با آمریکا و اسرائیل" متهم شده اند. در این اطلاعیه همچنین "حاکمین برپیت

امام" به همکاری و همدستی با وزارت اطلاعات متهم می شوند.

وزارت اطلاعات علاوه بر اتهاماتی که در اعلامیه رسمی منتشر ساخت و در مطبوعات مجاز انتشار یافت، گروه سید مهدی هاشمی را به سرقت ۵ میلیون فشنگ و ارسال آن به بیروت، توطئه قتل خامنه ای، تشکیل خانه های تیمی و باندهای در سپاه متهم می کند.

بندوبست ۸ نماینده با ولایتی

اکنون روشن شده است که سؤال ۸ نماینده مجلس از وزارت امور خارجه رژیم پیرامون سفر مک فارلین، به رهبری جلال الدین فارسی، بایند و بست قبلی با شخص ولایتی، وزیر امور خارجه ج.ا.ا. به منظور مقابله با جناح دیگر تنظیم شده بوده است. قرار بر این بوده، که ولایتی با اظهار عدم اطلاع از ماجرای پشت پرده، خود هوادارانش را که در جریان این ماجرا بوده اند، تهرئه کند.

گفتگوی دختر و پسر ممنوع

رژیم با ترندهای مختلف می کوشد که از برخورد و گفتگوی دختران و پسران دانش آموز در خیابانها جلوگیری کند. صرف نظر از آن که گشتهای ویژه دائما در شهر در حال حرکت هستند و دختران و پسران را زیر نظر دارند، تدابیر دیگری نیز اندیشیده شده است. در بعضی از شهرستانها مدارس پسرانه به یک طرف و مدارس دخترانه به طرف دیگر شهر منتقل شده اند. همچنین ساعات تحصیل در مدارس دخترانه و پسرانه تغییر یافته است. مدارس پسرانه از ۸ صبح تا ۲ بعد از ظهر و مدارس دخترانه از ۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر دایر هستند.

انتخاب "جوانان توده" به ...

"ما از مبارزه مردم و جوانان ایران با اختناق و ارتجاع، برای حقوق دموکراتیک، آزادی زندانیان سیاسی، صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی، حمایت می کنیم و خواهان پایان فوری جنگ ویرانگر ایران و عراق، که ادامه آن تنها به نفع امپریالیسم و ارتجاع است، هستیم". در قطعنامه "خاورمیانه" آمده است:

"ضمن ابراز تکرانی در مورد ادامه جنگ ایران و عراق، که ادامه آن تنها به نفع امپریالیسم، صهیونیسم، و ارتجاع است، و خطری که برای صلح و امنیت منطقه و سراسر جهان ایجاد می کند، شرکت کنندگان در دوازدهمین مجمع عمومی پایان فوری این جنگ ویرانگر و بی معنی را که موجب تلفات عظیم جانی و رنجهای بی شمار و تخریب اقتصاد ملی دو کشور شده، طلب می کنند.

مجمع عمومی خواهان حل این مناقشه بر مبنای دموکراتیک و مسالمت آمیز و بر اساس منافع دو خلق همسایه، احترام به تمامیت ارضی هر دو کشور و آن گونه راه حلی است، که به تقویت مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و تحکیم صلح و امنیت در تمام منطقه بیانجامد".

دوازدهمین مجمع عمومی در پایان اجلاس خود "جوانان توده" را بار دیگر به عضویت هیئت اجراییه "فدراسیون جهانی جوانان دمکرات" برگزید.



نامه ای از ایران

سلام دوستان عزیز

خسته نباشید. الان که برایتان نامه می نویسم (۶۵/۸/۵) درست ۱۲۰۱ روز است که به خانه برنکشته ام و نزدیک به سه سال است برادرم را که حالا دیگر سال آخر ابتدائی را تمام خواهد کرد ندیده ام. نوشتنش آسان است، گمان می کنم قدری مشکل باشد که آدم در وطن خودش محروم از دیدار برادرش باشد. آنهم فقط به این دلیل که گزیمه های ستکار دنبالت هستند، از هر کسی درباره ات می پرسند، حتی برادر خردسالت را مورد بازجویی قرار می دهند و می ترسانندش. به اومی گویند که اگر جای اختفای برادرت را نگوئی او را می کشیم و نعلش را نشانت می دهیم! به طرق مختلف جاسوس اجیر می کنند، خواهرت را به زیر مهمیز سئوالات گوناگون و فشارهای روانی می کشند، روزهای متوالی در انفرادی زندانی اش می کنند. به او توهین می کنند، با شیوه های گوناگون پلیسی در خانواده ات که تکران تواند ایجاد رعب و وحشت می نمایند، مادرت را که تازه دو فرزند دیگرش از حبس آزاد شده اند - آنهم با قیدهای گوناگون و سئود

این و آن را گرو گرفتن و دوسه سال حبس به اصطلاح تعلیقی به دست و پهای آزادی بستن - فقط به خاطر تو به دادستانی جلب می نمایند، به او که یک مادر است و همواره برای فرزندانش سینه سپر کرده است اهانت می کنند، بر سرش فریاد می کشند، حتی تهدید به بازداشتش می کنند. خلاصه هر چه زهر دارند در کام زندگانی عزیزانت می ریزند تا نهاد ناپاک خود را راضی کرده باشند. تمام اینها جزئی از واقعیتهای روزمره انسانهایی است که سودائی جز رهائی وطن و سعادت زحمتکشان را در سر نمی پروراندند. روزی که حمله سراسری به حزب توده ایران شروع شد، من در شهر نبودم. بدین ترتیب توانستم از اولین ضربات مصون بمانم و سپس ناگزیر از زندگی پنهانی و نیمه علنی شدم، خوشبختانه توانستم با کمک دوستان وفادار مشغول بکار شوم و با حمایت آنان از دام حملات نجات یابم. اما هرگز گزیمه های ضد صلح و آزادی دست از آزار خانواده ام و در نتیجه آزار خود من برنداشته اند. این مجمل خود حدیث مفصلی است از زجر و زور و اختناق در زندانی به وسعت ایران.

شکنجه در آزادی! با این همه من به چشمان خود باور دارم، می بینم که مردم علیه جنگ، گرانی و بی کفایتی تشنگان قدرت، حرف می زنند، مثل آتش زیر خاکسترند و بخوبی احساس می کنم که مردم پیشاهنگ مقتدر و تشکیلات ندارند.

من از خبر برگزاری کنفرانس ملی حزب به وجد آمده و آن را از عبق دل تبریک می گویم، این واقع حاکی از استحکام امیدبخش و برانگیزاننده ایست که بی تردید تاثیر خود را در میهن آخوندزده و سیه روزگارمان گذارده و خواهد گذاشت.

رفقای گرامی می خواهم از گزایشی شدید که بسیاری از جوانان برای ترک وطن دارند و سرخوردگی برخی از آنان از وضعیت تحمل ناپذیر موجود بگویم. هر چند این تسایل مجموعا در میان جوانان مایه دار و روشنفکر روبه کاهش است، اما هنوز غالب است. بیایید برای آگاه کردن جوانان، از زندگی رفقا و دوستانی که با وجود شرایط سخت معیشتی و فشارهای سیاسی که مستقیما تحمل می نمایند، عشق به میهن و احساس وظیفه در قبال ترویج و تبلیغ برنامه های انقلابی حتی در مقیاسی کوچک و در حد توان آنها را داخل وطن نگاه داشته است، صحبت کنیم. بگوئید که تنها با ماندن و مبارزه پیگیر می توان از آینده ای آزاد، پرشکوه و سعادتمند، صحبت به میان آورد. بگوئید که هر درد آشنای انقلابی هر دلداده مردم زحمتکش در هر کجا که باشد، موجودیتش خواهی نخواهی محیط را متاثر می کند و هر گاه این تاثیرات سازمان یابند و قدرت بگیرند آنگاه است که کاری کارستان می شود. شادمان و پرتلاش بمانید!

عقب نشینی دولت فرانسه و پیروزی دانشجویان

این روزها فرانسه شاهد حرکت اعتراضی دانشجویان و دانش آموزان سراسر کشور بود. جوانان دانشجو و دانش آموز در راهپیمایی‌هایی که بنا به دعوت کمیته هماهنگی سازمانهای دانشجویان انجام شد، به اصلاحات ارتجاعی در سیستم آموزش عالی که دست سرمایه داران رادار اداره دانشگاهها و مدارس عالی کشور باز می‌کرد و در مقابل، راه تحصیل جوانان کم بهضاعت در آموزشگاههای عالی را مسدود می‌ساخت، اعتراض کردند.

دولت راستگرای فرانسه، علیرغم مخالفتهای جدی حزب کمونیست فرانسه این لایحه را تهیه کرد و به مجلس داد و خشم و نگرانی عمیق دانشجویان و دانش آموزان را برانگیخت. این اقدام دولت فرانسه منجر به حضور یکپارچه دانشجویان در راهپیماییهای اعتراضی ولی مسالمت آمیز چند صد هزار نفری و حتی میلیونی چند روز اخیر گردید.

دولت شیراک که از این اعتراض عمومی غافلگیر شده بود، ابتدا به پلیس متوسل شد و به ضرب و شتم تظاهرکنندگان پرداخت. خشونت‌های پلیس باعث مرگ یک دانشجوی الجزایری الاصل بنام "مالیک اوسکین" شد که بطور وحشیانه‌ای توسط

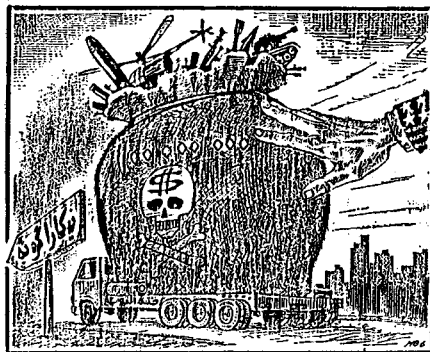
پلیس مضراب شده بود و نیز مضراب و مجروح شدن دهها تن از دانشجویان را در پی داشت. محافل مترقی و دمکراتیک از جمله سازمان زنان فرانسه، بزرگترین سندیکای کارگران فرانسه، ژ.ت.و. در راس آنها حزب کمونیست فرانسه به حمایت گسترده از این جنبش حق طلبانه جوانان پرداختند و با اعلام ۸ دسامبر به عنوان روز عزای عمومی به مناسبت مرگ "اوسکین" و با سازماندهی اعتصابهای گوناگون کوتاه مدت در رشته‌های مختلف اقتصادی و آموزشی، نه تنها دولت را مجبور به پس گرفتن لغو لایحه قانونی خود کردند بلکه وزیر آموزش عالی نیز اچارا استعفاداد. جنبش اخیر دانشجویان و دانش آموزان فرانسه در اثر حمایت گسترده و عملی محافل و سازمانهای اجتماعی و دمکراتیک فرانسه و حزب کمونیست این کشور به پیروزی انجامید و مواضع راستگرایان حاکم بر دولت فرانسه را متزلزل کرد.

کمیته هماهنگی سازمانهای دانشجویان فرانسه در پایان آخرین نشست خود اعلام کرد که به مبارزه خود علیه سیاست ناعادلانه دولت در زمینه مسائل آموزشی جوانان ادامه خواهد داد.

و مسئله بر سر دخالت مستقیم نظامیان آمریکایی در تجاوز به نیکاراگوئه است.

هم اکنون بیش از سه هزار تن از ضدانقلابیون در نقاط مرزی هندوراس با نیکاراگوئه متمرکز شده اند و توسط مشاوران نظامی آمریکایی برای عملیات تروریستی در نیکاراگوئه آموزش می‌بینند.

استقرار آزادی و صلح باغ سفید



معاون رئیس کل ستاد ارتش ساندینیست در همان مصاحبه مطبوعاتی خاطرنشان ساخت که فقط طی یک هفته ضدانقلابیون ۲۸ بار به نیکاراگوئه تجاوز کرده اند. طی زد و خوردها بیش از ۸۰ تن از ضد انقلابیون به هلاکت رسیده اند.

جنایت نوبتی امپریالیسم آمریکا اعتراضات شدیدی را در سراسر جهان برانگیخته است. ما نیز این اعمال بیشرمانه دولت ریگان را که تروریسم دولتی سرلوحه سیاست خارجی آنست شدیداً محکوم می‌کنیم.

اعتراض فلسطینی‌ها

در مناطق اشغالی

مردم محروم و رنج دیده فلسطین در نوزدهمین سالگرد تجاوز اسرائیل به خیابانها ریختند و علیه سیاست سرکوبگرانه صهیونیست‌ها اعتراض کردند. در کرانه غربی اردن مردم با تظاهرات، اعتصاب، بستن مغازه‌ها و سنگر بندی در خیابانها به مقابله با سربازان وحشی اسرائیلی برخاستند. در شهرهای "بیت المقدس"، "نابلس"، "رام الله"، و "البیره" اعتصاب عمومی انجام شد و هزاران نفر به خیابانها ریختند.

تجاوزگران اسرائیلی با وحشیگری هرچه تمامتر اعتراضات مردم را سرکوب می‌کنند. سربازان اشغالگر بسوی تظاهرکنندگان آتش گشودند و در اثر تیراندازیهای آنان تا کنون تعداد زیادی کشته و زخمی و تعدادی نیز دستگیر شده اند. در بسیاری از شهرها و روستاهای ساحل غربی رود اردن و نوار "غزه" مقررات منع عبور و مرور ۲۴ ساعته اجرا می‌شود. اشغالگران اسرائیلی همچنین اعلام کرده اند که دانشگاه "بیرزیت" که از مراکز مهم گردهمایی و تظاهرات بوده است، تا پایان سال جاری بسته خواهد ماند. آنان روز ۲۰ آذرماه ۶۵ اردوگاههای فلسطینی را بمباران کردند و تلفات و خساراتی به آنها وارد آوردند. این بمباران در حالی انجام گرفت که نیروهای فلسطینی با شیعیان جنبش امل در زد و خورد بودند.

در این میان اقدامات ویرانگر و وحدت شکن جمهوری اسلامی در دفاع از جنبش امل و تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین، آرزویی را که صهیونیست‌ها از سالها پیش در سر می‌پروراندند جامه عمل می‌پوشاند. نمایندگان ج.ا.ی.کسویا عوامفریبی و ریاکاری به میانجیگری می‌پردازند و نایش دیپلماسی می‌دهند و از سوی دیگر با تقویت جنبش امل، بر پیکر مجروح خلق رنج دیده فلسطین و نماینده قانونی آن سازمان آزادیبخش فلسطین تازیه می‌زنند. همکاری صهیونیستها برای رساندن اسلحه به جمهوری اسلامی نیز بهایی است که اسرائیل برای ایفای این نقش ارتجاعی به جمهوری اسلامی می‌پردازد.

ما یورشهای وحشیانه صهیونیستها را به جنوب لبنان و کرانه غربی رود اردن محکوم می‌کنیم و همبستگی خود را با مبارزات مردم رنج دیده و رزمندگان فلسطین اعلام می‌داریم.

کمکهای مالی رسیده

جمع آوری شده در جشن ازدواج رفقا در آلمان غربی ۲۱۶ مارک
سام کالیفرنیا ۵ دلار
کودک خردسال پ. ق. ۵۰۰ کرون

NAMEH
MARDOM
No. 133

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

16 December 1986

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است